

مبانی فقهی حرمت استعمال مواد مخدر

سید حسین هاشمی^۱، کاظم میرزایی نژاد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۳

چکیده

هدف: با توجه به عوامل مختلفی همچون آسان تر شدن تولید مواد مخدر، این معضل بیش از پیش دامن گیر تمامی جوامع بشری، از جمله ایران اسلامی شده است؛ از این رو، مقاله حاضر مبانی فقهی حرمت استعمال مواد مخدر را مورد بررسی قرار داده است. **یافته‌ها:** از عموم و اطلاعات برخی از آیات قرآنی می‌توان حرمت شرعی این عمل را به صراحت و به وضوح کشف کرد. از آن جمله است: ادله مربوط به ممنوعیت قتل نفس و نهی از به هلاکت انداختن خود، ممنوعیت زائل کردن عقل، لزوم دوری از پلیدی‌ها و اعمال شیطانی که استعمال مواد مخدر در رأس آن قرار دارد. علاوه بر این، روایات خاصی نیز بر حرمت این عمل دلالت داشته و بنای عقلا نیز مؤید ممنوعیت این عمل است. **نتیجه‌گیری:** ارائه مبانی حرمت مواد مخدر می‌تواند به دست اندر کاران مبارزه با این پدیده شوم، به دلیل دستیابی به اجازات شرعی و دستورات دینی مبنی بر ممنوعیت شرعی استعمال مواد مخدر، این مساعدت را داشته باشد که با عنایت به این مبانی، در جهت ریشه کنی این پدیده، با آسودگی خاطر و با دستان باز، نهایت تلاش خود را انجام دهند. به متشرعین نیز انگیزه دینی می‌دهد که از این عمل اجتناب کنند.

کلید واژه‌ها: استعمال مواد مخدر، مبانی فقهی، حرمت شرعی، ممنوعیت به هلاکت انداختن خود، لزوم

دوری از پلیدی‌ها

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران، پست الکترونیکی: shhashemi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مفید، قم، ایران

مقدمه

امروزه، معضل استعمال اعتیاد گونه مواد مخدر ایران اسلامی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. از سوی دیگر بر اساس اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه قوانین و مقررات باید منطبق بر موازین اسلامی باشد. بنابراین، ضروری است در این باره تحقیق شود که «آیا ممنوعیت استعمال مواد مخدر مبنای شرعی دارد یا نه؟» با عنایت به این ضرورت و همچنین سؤالات اساسی که در این راستا وجود دارد، هدف از انجام این تحقیق بررسی مبانی فقهی ممنوعیت شرعی استعمال مواد مخدر با استناد به منابع معتبر اسلامی است تا ابهاماتی که از این لحاظ وجود دارد برطرف شود. بدون تردید، تحقیق در این باره نیازمند تتبع گسترده و نگرشی جدید است که بتواند زمینه‌ساز مباحث فقهی بعدی برای پژوهشگران باشد.

پرسش اساسی که این تحقیق به دنبال آن است، این است که «آیا مبانی قابل استناد و اعتماد فقهی در اسلام برای حرمت و ممنوعیت شرعی استعمال مواد مخدر وجود دارد یا نه؟» با توجه به این پرسش، مهمترین فرضیه تحقیق پیش رو این است که اسلام به عنوان مکتبی که نجات انسان در ابعاد مادی و معنوی را و جهت همت خود قرار داده است، بدون شک مبانی خدشه‌ناپذیری برای حرمت استعمال مواد مخدر ارائه داده است.

مواد مخدر مخصوصاً کشورهای مسلمان‌نشین را به طور عام و کشور اسلامی ما را به گونه‌ای خاص دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری کرده است. دخیل بودن اغراض سیاسی به منظور مخدوش ساختن چهره حقیقی اسلام و وارونه جلوه‌دادن آموزه‌های اسلامی توسط کشورهای بیگانه روی دیگر گسترش روزافزون این پدیده در میان کشورهای مسلمان‌نشین است. از دیگر سو، می‌توان به اهداف اقتصادی برای به دست آوردن ثروت‌های نامشروع و هنگفت اشاره کرد که سوداگران مرگ را به تولید صنعتی و تغییر در فرمول شیمیایی ترغیب کرده است. آنان با این فرآیند توانسته‌اند به انواع مختلف این مواد با تأثیرگذاری متفاوت و ویرانگر دست یابند.

در این مقاله، در پی واکاوی هرچه بیشتر آموزه‌ها و مبانی شرعی هستیم تا موضع اسلام را در قبال استعمال مواد مخدر بشناسیم. بدین منظور، نخست خواهیم کوشید تا مهمترین

مبانی موجود در این زمینه را معرفی کنیم؛ سپس به فتاوی فقهای معاصر در باب حرمت استعمال مواد مخدر می‌پردازیم و در نهایت، آثار شرعی مترتب بر حرمت استعمال مواد مخدر را تبیین خواهیم کرد.

۱- ادله شرعی حرمت استعمال مواد مخدر

در ذیل، به ادله مختلف شرعی که در باب حرمت استعمال مواد مخدر وجود دارد اشاره می‌کنیم.

۱-۱- آیات قرآنی

اولین دلیل از ادله اربعه مورد استفاده در فقه اسلامی قرآن کریم است. بنابراین، نخست به بررسی ادله‌ای از کلام وحی می‌پردازیم که استعمال مواد مخدر به هر شکلی که باشد را حرام و ممنوع اعلام کرده است.

۱-۱-۱- اکل مال به باطل ممنوع

یکی از آیاتی که حرمت استعمال مواد مخدر را به اثبات می‌رساند، آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء است که بر اساس آن قتل نفس از نظر شرعی ممنوع و حرام است. متن آیه به قرار زیر است:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا^۱ »

یعنی: «ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به باطل نخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضایت باشد و یکدیگر را نکشید که البته خداوند بسیار نسبت به شما مهربان است.»

آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه فوق بیان می‌کند که طبق این آیه هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی، معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نامشخص باشد و خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد و خرید و فروش وسایل فساد و گناه همه تحت این قانون کلی قرار دارند و اگر در روایات متعددی کلمه باطل به قمار،

ربا و مانند آن تفسیر شده در حقیقت معرفی مصداق‌های روشن این کلمه است نه آنکه منحصر به آن‌ها باشد.^۱

مرحوم صاحب جواهر (محمدحسن نجفی) در استناد به این آیه فرموده است: «و وجوب الحفظ، و نفی العسر و الحرج و إرادة اليسر، و النهی عن قتل النفس و الإلقاء إلى التهلكة، و روایت یعقوب بن سالم و داود الرقی المتقدمین»^۲

یعنی: «از جمله مواردی که آیه فوق بر آن دلالت دارد حفظ جان، برداشتن عسر و حرج، نهی از کشتن و به هلاکت افکندن می‌باشد و دو روایت یعقوب ابن سالم و داوود رقی نیز پشتوانه این ادعا است.» بر اساس این، حفظ نفس و برطرف کردن فشار و سختی و فراهم کردن راحتی و دوری از قتل نفس واجب است.

از این رو در فتوای شیخ علیش، از علمای مذهب مالکیه آمده است: «و تکرارُ المَخْدَرَاتِ و ما يَتَعَلَقُ بِهِ فَتَتَوَلَّدُ مِنْهُ الحِرَارَةُ فَتَكُونُ دَاءً مَزْمَنًا مَهْلِكًا فَيَشْمَلُهُ قَوْلُهُ سُبْحَانَهُ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ»

یعنی: «استعمال بی‌درپی مواد مخدر موجب می‌شود که حرارتی در بدن ایجاد شود که تبدیل به بیماری سخت و نابودکننده‌ای می‌شود؛ پس مشمول قول خداوند سبحان می‌گردد که فرموده است یکدیگر را نکشید.»

بر این اساس، نباید نفس را در مهلکه یا ارتکاب خطرهایی قرار داد که منجر به قتل نفس شوند، مگر اینکه مصلحت مهمتری وجود داشته باشد مانند جهاد در راه خدا و چون مواد مخدر باعث ضرر و به خطر افتادن سلامت و تندرستی می‌شود و این موضوع از نظر پزشکی به اثبات رسیده است، لذا استفاده آن حرام است.

۱-۱-۲- روح دعوت اسلام دوری از پلیدی‌ها

اسلام، آیین دعوت به خوبی و فضیلت‌ها است و روح این مکتب با آلودگی‌ها سازگاری ندارد و بر همین اساس است که تمام اعمال و کردارهای منافی با این روح را که سر از

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۴۱، چاپ ۴۵، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.

۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۱ ق، ج ۳، ص ۳۱.

رذایل و ناپاکی‌ها در آورد، ممنوع و حرام کرده است. آیه ذیل بهترین دلیل بر این مدعا است:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱

«آنان که از فرستاده (خدا) پیامبر امی پیروی می‌کنند، کسی که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند و آنان را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد، پاکیزه‌ها را برای آنان حلال می‌شمرد، ناپاک‌ها را تحریم می‌کند، و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنان بود (از دوش و گردنشان) برمی‌دارد. آنان که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند، آنان رستگارانند.»

فقها و دانشمندان از آیه فوق چنین استنباط می‌کنند که محتوای دعوت او با فطرت سلیم هماهنگ است. طیبات و آنچه را طبع سلیم می‌پسندد، برای آن‌ها حلال می‌شمرد و آنچه خبیث و تنفرآمیز باشد را بر آنان تحریم می‌کند. مواد مخدر جزء خبیثات است، پس استعمال آن حرام است؛ زیرا ضررهای ناشی از آن بر همگان آشکار است و انسان‌ها را در غل و زنجیر پلیدی‌ها و حقارت‌ها ننگه می‌دارد.^۲

۱-۱-۳- لزوم پرهیز از اعمال شیطانی

با توجه به روح دعوت اسلامی که ثبات و تقویت عقل را جان‌مایه ترقی انسان می‌داند، هرگونه عملی که موجب صدمه‌زدن به این گوهر نایاب شود را یک عمل شیطانی و ناپسند و ممنوع اعلام و نارضایتی خود را از گرایش به این نوع رفتارها ابراز کرده است. آیه ذیل گواه بر آن می‌باشد:

۱. اعراف / ۱۵۷.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۶، ص ۴۷۰، ۱۳۸۶.

«يا ايها الذين آمنوا إنما الخمر والميسر والأنصاب والأزلام رجسٌ من عملِ الشيطانِ فاجتنبوه لعلَّكم تفلحون»- إنما يريدُ الشيطانُ أن يُوقعَ بينكمُ والعداوةَ والبغضاءَ في الخمرِ والميسرِ ويصدَّكمُ عن ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ.»^۲

«ای اهل ایمان، شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گرویندی (که اسمی بود در جاهلیت) همه این‌ها پلید و از عمل شیطان است. از آن البته دوری کنید تا رستگار شوید- شیطان قصد آن دارد به وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد؛ پس شما آیا از آن دست برمی دارید (تا به فتنه شیطان مبتلا نشوید)؟»

تفسیر نمونه می گوید: «در تفاسیر شیعه و اهل تسنن، شأن نزول‌های مختلفی درباره آیه نخست ذکر شده است که تقریباً به یکدیگر شباهت دارند. از جمله اینکه در تفسیر در المنثور از سعد بن وقاص چنین نقل شده که می گوید: این آیه درباره من نازل گردید؛ مردی از انصار غذایی تهیه کرده بود و ما را دعوت کرد؛ جمعی در مجلس میهمانی او شرکت کردند و علاوه بر صرف غذا شراب نوشیدند و این قبل از تحریم شراب در اسلام بود. هنگامی که مغز آن‌ها از شراب گرم شد، شروع به ذکر افتخارات خود کردند؛ کم کم کار بالا گرفت و به اینجا رسید که یکی از آن‌ها استخوان شتری را برداشت و بر بینی من کوبید و آن را شکافت. من خدمت پیامبر (ص) رسیدم و این جریان را عرض کردم. در این موقع، آیه فوق نازل شد.»

از «مسند احمد» و «سنن ابی داود» و «نسائی» و «ترمذی» چنین نقل شده است که عمر (که طبق تصریح تفسیر فی ظلال جلد سوم صفحه ۳۳ علاقه شدید به نوشیدن شراب داشت) دعا می کرد و می گفت: خدایا، بیان روشنی در مورد خمر برای ما بفرما. هنگامی که آیه ۲۱۹ سوره بقره (يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ...) نازل شد و پیامبر (ص) آیه را برای او قرائت کرد، اما او باز به دعای خود ادامه می داد و می گفت: خدایا، بیان روشن تری در این زمینه بفرما تا اینکه آیه ۴۳ سوره نساء (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى) نازل شد. پیامبر (ص) آن را نیز بر او خواند؛ باز به دعای خود ادامه می داد تا اینکه سوره مائده (آیه مورد بحث) که صراحت فوق العاده‌ای در این موضوع دارد، نازل شد.

هنگامی که پیامبر (ص) آیه را بر او خواند، گفت: «انتهینا انتهینا!» از نوشیدن شراب خودداری می‌کنیم، خودداری می‌کنیم.^۱

۱-۱-۴- انداختن خود به دام هلاکت ممنوع

داشتن عزت نفس و کرامت انسانی در اسلام مورد تأکید بسیار واقع شده است. به طوری که اگر کسی نسبت به خودش بی‌اهمیت باشد، آدم شرور محسوب می‌شود و باید از وی حذر و دوری کرد. امام علی (ع) در همین راستا فرموده است:

«مَنْ دَتَّ هِمَّتُهُ فَلَا تَصْحَبُهُ»^۲ «با انسان دون همت نشست و برخاست مکن.»

«مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرْجُ خَيْرَهُ»^۳ «به خیر کسی که در نظر خودش خوار و حقیر

است، امیدوار نباش.»

«مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ»^۴ «از شر کسی که در نظر خودش بی‌اهمیت است،

در امان مباش.»

بر همین اساس، قرآن کریم مسلمانان را از داشتن چنین صفاتی نهی کرده است و به آنان اجازه نداده که خودشان را به ورطه هلاکت بیفکنند و چه هلاکتی بالاتر از مواد مخدر که نه تنها خود فرد، بلکه دودمان او و در نهایت جامعه را نیز به کام نابودی می‌کشاند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره/۱۹۵)؛ «از مال خود در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف) و خود را به مهلکه (خطر بیچارگی) نیفکنید و نیکوئی کنید، زیرا خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

ابتدای آیه فوق اشاره به انفاق دارد، لیکن در ادامه با بیان جمله «و لا تلقوا باید یکم» هشدار مهمی را به انسان‌ها گوشزد می‌کند. اعتیاد به مواد مخدر یکی از بزرگترین مصادیق هلاکت و نابودی است. جمله «و لا تلقوا باید یکم إلى التهلکة»؛ «با دست خویش خود را به هلاکت نیفکنید» مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که موارد زیاد دیگری را نیز شامل

۱. همان، ج ۵، ص ۶۹.

۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۶۵.

۳. همان.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸۳.

می‌شود؛ از جمله اینکه انسان حق ندارد از جاده‌های خطرناک (چه از نظر نامنی، چه عوامل جوی یا غیر آن) بدون پیش‌بینی‌های لازم بگذرد یا غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است تناول کند و یا حتی در میدان جهاد بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود و در تمام این موارد، انسان بی‌جهت جان خود را به خطر انداخته و مسئول است. پس در جامعه‌ی امروزی که اثرات و زیان‌های مواد مخدر به طور علمی و عملی مشخص شده است و مصرف آن در حقیقت خوردن سم خطرناکی است که به تدریج وارد بدن شده و در نهایت، به هلاکت و نابودی او و یا ضرر و زیان شدید منجر می‌شود و به خطر انداختن بی‌جهت جان انسان است، حرام است و باید از آن اجتناب کرد و به تعبیر مرحوم علامه طباطبایی «آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود»^۱.

۱-۱-۵- حرمت زوال عقل

عقل انسان سنجۀ ارزشمند نیکی و بدی است و هرگونه اختلال در کارآیی این ابزار با ارزش از نظر اسلام مردود و حرام اعلام شده است و در همین راستا، نخستین آیه‌ای که فرمان ممنوعیت استعمال مواد مخدر و هر چیزی که باعث زوال و سستی عقل انسان بشود را صادر کرده، آیه ۲۱۹ سوره بقره است: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِنَاسٍ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا»؛ «از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند؛ بگو در آن‌ها گناهی بزرگ و منافعی برای مردم است، ولی گناه آن‌ها از منافعتشان بیشتر است.»

خمر به هر ماده مست‌کننده‌ای که موجب زوال عقل گردد اطلاق می‌شود؛ زیرا خمر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است. همه مست‌کننده‌ها باعث ستر و زوال عقل و مانع تشخیص خوب و بد توسط انسان می‌شوند و قدرت تفکر و ادراک را از او می‌گیرند. «إثم» هم تسامحاً به معنای ذنب و گناه است؛ یعنی حالتی که باعث محرومیت انسان از نیل به خیرات می‌شود و شقاوت و حرمان برای انسان به بار می‌آورد و این حالت وقتی که در عقل و روح انسان به وجود می‌آید او را از رسیدن به مقصود اصلی و هدف اصلی آفرینش یعنی کمالات انسانی باز می‌دارد و ضرر زیادی به جسم و جان وارد می‌کند. بر اساس آیه

۱. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین قم، ج ۱، ص ۶۴.

شریفه، مشروبات الکلی و مواد مخدر به دلیل ضرر و زیان‌های زیاد باعث زوال عقل انسان و ادراک و فهم شده و شهوات کاذب و زودگذر را بر اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حاکم می‌کنند؛ بدین جهت استعمال آن‌ها از نظر شرعی حرام و ممنوع است.

۱-۲- روایات

دومین دلیلی که فقهای اسلامی به آن تمسک می‌جویند روایاتی است که از پیشوایان معصوم (ع) بر جا مانده است. همان‌گونه که استعمال مواد مخدر از منظر قرآنی ممنوع و ناپسند است، روایات نیز پایه‌های آیات الهی این ممنوعیت را مورد تأکید قرار داده‌اند. گرچه مواد مخدر در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه (ع) گسترده‌گی امروزی را نداشته است، اما روایات متعددی در این زمینه از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نقل شده است.

۱-۲-۱- دسته اول روایات

فقیه شیعی، مرحوم میرزا حسین نوری در کتاب *مستدرک الوسائل* روایاتی آورده است که این مدعا را تأیید می‌کند که استعمال مواد مخدر از نظر شرع اسلام حرام است. در زیر به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم: ۱. «رُویَ عَنْ طَرِيقِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَا كُلُّونَ شَيْئًا اسْمُهُ الْبَنْجُ أَنَا بَرِيءٌ مِنْهُمْ وَهُمْ بَرِيثُونَ مِنِّي»؛ «از طریق اهل بیت (ع) روایتی نقل شده است که پیامبر خدا (ص) فرموده: برای این امت زمانی خواهد رسید که چیزی به نام بنگ (حشیش) مصرف می‌کنن؛ من از ایشان بیزارم و آنان نیز از من بیزارند». ۲. «وَقَالَ (ص): سَلَّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَلَا تُسَلَّمُوا عَلَى أَكِلِ الْبَنْجِ»؛ «بر یهود و نصارا می‌توانید سلام کنید، ولی بر کسی که حشیش (بنگ) مصرف می‌کند سلام نکنید». ۳. «وَقَالَ (ص): مَنْ احْتَقَرَ ذَنْبَ الْبَنْجِ فَقَدْ كَفَرَ»؛ «کسی که گناه مصرف حشیش را اندک بشمارد، کافر شده است».

۴. «وَقَالَ (ص): مَنْ أَكَلَ الْبَنْجَ فَكَأَنَّمَا هَدَمَ الْكَعْبَةَ سَبْعِينَ مَرَّةً وَكَأَنَّمَا قَتَلَ سَبْعِينَ مَلَكًا مُقْرَبًا وَكَأَنَّمَا قَتَلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا مُرْسَلًا وَكَأَنَّمَا أَحْرَقَ سَبْعِينَ مُصْحَفًا وَكَأَنَّمَا رَمَى إِلَى اللَّهِ

۱. البنج: نبت له حبة يسكر (طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۲۷۹)؛ بنگ یک نوع گیاه است که دانه‌های آن مست‌کننده است.

سَبْعِينَ حَجْرًا وَهُوَ أَبْعَدُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ وَ آكِلِ الرُّبَا وَ الزَّائِي وَ النَّمَامِ؛^۱ «کسی که حشیش (بنگ) مصرف می‌کند، گویی هفتاد مرتبه خانه کعبه را ویران کرده و هفتاد فرشته مقرب و هفتاد پیغمبر را به قتل رسانده باشد، هفتاد قرآن را به آتش کشیده باشد، هفتاد سنگ به سوی خداوند پرتاب کرده باشد و او حتی از شارب الخمر و رباخوار و زناکار از رحمت خدا دورتر است.»

۱-۲-۲- دسته دوم روایات

روایات زیر نیز دلالت بر حرمت شرعی استعمال مواد مخدر دارد: ۱- «قال (ص) الاِنَّ كُلَّ مسكر حرام و كل مخدر حرام و ما اسكر كثيره حرام قليله؛^۲ «آگاه باشید هر نوع مسکر حرام است و هر نوع مخدر حرام است و آنچه مقدار زیادش مستی آور است مقدار کم آن هم حرام است»؛ ۲- «عن أنس بن حذيفة صاحب البحرین قال: كتبت إلى رسول الله (صلى الله عليه و آله): إن الناس قد اتخذوا بعد الخمر أشربة تسكرهم كما يسكر الخمر من التمر و الزبيب يصنعون ذلك في الدباء^۳ و النقيير^۴ و المزفت^۵ و الحنتم^۶ فقال رسول الله (صلى الله عليه و آله): إن كل شراب أسكر حرام، و المزفت حرام و النقيير حرام و الحنتم حرام، فاشربوا في القرب و شدوا الأوكية، فاتخذ الناس في القرب ما يسكر فبلغ النبي (صلى الله

۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۷، باب نوادر ما يتعلق بأبواب الأشربة المحرمة.

۲. الدباء: أشرب، سقى، و عطش، و رويت إبله، و عطشت، ضد، و حان أن تشرب. نوشانید، آب داد، شترش سیراب شد، ضد آن عطش و تشنگی است. این واژه در واقع همان دبه در زبان فارسی است که به معنای ظرف می‌باشد و کنایه از نوشاندن مایع است و در این روایت هم به معنای ظرف نوشاندن مسکرات به کار رفته است.

۳. النقيير: قال ابن الأثير: و فيه أنه نهى عن النقيير و المزفت النقيير أصل النخله ينقر وسطه ثم ينبذ فيه التمر و يلقى عليه الماء ليصير نبيذا مسكرا، و النهى واقع... ابن اثير گفته است که نقير ریشه درخت خرما است که وسط آن را سوراخ می‌کنند و خرما را همراه آب در آن می‌ریزند تا به شراب مست‌کننده تبدیل شود.

۴. المزفت: قال ابن الأثير: فيه نهى عن المزفت من الأوعية و هو الاناء الذى طلى بالزفت، و هو نوع من القار ثم انتبذ فيه. مزفت ظرفی است که با لایه‌ای از نفت که در فارسی به آن قیر و در عربی قار گفته می‌شود پوشانده شده است و در آن مواد را جهت تهیه شراب می‌ریزند.

۵. الحنتم: قال ابن الأثير: فيه «نهى عن الدباء و الحنتم» الحنتم جرار مدهونه خضر كانت تحمل الخمر فيها إلى المدينة... حنتم واحدها حنتمة، و إنما نهى عن الانتباز فيها، لأنها تسرع الشدة فيها لأجل دهنها، و قيل: لأنها كانت تعمل من طين يعجن بالدم و الشعر؛ ابن اثير گفته است: حنتم کوزه‌ای سبزرنگ روغن‌اندود است که به وسیله آن شراب را به شهر حمل می‌کردند و به خاطر روغنی که دارد تخمیر شراب را سرعت می‌بخشد و نیز به ظرفی که از گل مخلوط با خون و مو تهیه شده باشد هم گفته می‌شود (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۵۸۴).

علیه و آله) فقام فی الناس فقال: إنه لا يفعل ذلك إلا أهل النار، ألا إن كل مسکر حرام، و کل مفتر حرام، و کل مخدر حرام، و ما أسکر کثیره فقليله حرام و ما خمر القلب فهو حرام؛» انس بن حذیفه می‌گوید که نامه‌ای برای رسول خدا (ص) به این مضمون نوشتم که مردم بعد از تحریم شراب به نوشیدنی‌های دیگری که همانند شراب از خرما و کشمش ساخته شده و مست‌کننده است رو آورده‌اند. این نوشیدنی‌ها را در ظرف‌هایی از کدو، ظروف اندود شده با نفت خام و ظروف گیاهی، به عمل می‌آورند و سپس آن‌ها را در درون مشک می‌ریزند و درب آن‌ها را محکم می‌بندند و به مردم می‌دهند. این خبر به رسول خدا (ص) رسید. پس آن حضرت در میان مردم برخاستند و فرمودند: این عمل (زشت) را کسانی انجام می‌دهند که اهل آتش‌اند؛ آگاه باشید هر مسکر حرام، هر ماده سستی آور حرام و هر ماده مخدر حرام است؛ آنچه زیادش مستی آورد، مقدار اندک آن نیز حرام است و هر چیزی که موجب خماری عقل می‌شود حرام است.»

۱-۲-۳- دسته سوم روایات

در کتاب *تحف العقول* نوشته مرحوم حسن بن علی معروف به ابن شعبه حرانی و کتاب *وسائل الشیعه* از تألیفات شیخ حر عاملی این روایت ذکر شده است: *عَنِ الصَّادِقِ (ع): «مَا كَانَ عَنْ صُنُوفِ الْبِقُولِ مِمَّا فِيهِ الْمَضْرُءُ عَلَى الْإِنْسَانِ مِنْ أَكْلِهِ نَظِيرَ بَقُولِ السَّمُومِ الْقَاتِلَةِ وَنَظِيرِ الدَّفْلَا وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ السَّمِّ الْقَاتِلِ فَحَرَامٌ أَكْلُهُ»*؛ «از امام صادق (ع) روایت است که آنچه از سبزی‌ها و گیاهان که خوردن آن برای انسان ضرر دارد مانند گیاهان سمی کشنده و خرزهره و مشابه آن از نوع گیاهان مسموم کشنده خوردنش حرام است.»

۱-۲-۴- دسته چهارم روایات

دسته چهارم روایات ممنوع کننده استعمال مواد مخدر به قرار زیر است: ۱. امام رضا (ع) در یک روایت نسبتاً طولانی با بیان فلسفه حرام و حلال بودن خوراکی‌ها در مورد هر نوع

۱. برای مطالعه بیشتر رک: *تحف العقول* / ص ۳۳۷؛ *وسائل الشیعه* / ج ۲۵ / ص ۸۴ / باب جمله من الأَطعمه و الأَشربة المباحة و المحرمة؛ *الفصول المهمة فی أصول الأئمة* (تکملة الوسائل) / ج ۲ / ص ۴۴۵ / باب ۲۹؛ *هدایة الأئمة* / ج ۸ / ص ۱۸۱ / الحادی عشر: فی نبذة من أنواع الأَطعمه المباحة و المحرمة؛ *بحار الأنوار* / ج ۶۲ / ص ۱۹۲ / باب ۱ جوامع ما یحل و ما یحرم من المأكولات و المشروبات و حکم المشتبه بالحرام و ما اضطروا إليه؛ *جامع أحادیث الشیعه* (للبروجردی) / ج ۲۲ / ص ۳۱۴ / باب وجوب الاجتناب عن الحرام و تحریم التکسب بأنواع المحرمات و جوازه بالمباحات و إباحة الصناعات و الحرف مع رعایة التقوی و الأمانة.

خوراکی و نوشیدنی که برای بدن و عقل ضرر و زیان داشته باشد چنین می‌فرماید: «إِعْلَمْ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُبِيحُ أَكْلًا وَلَا شَرِبًا إِلَّا لِمَا فِيهِ الْمَنْفَعَةُ وَالصَّلَاحُ وَكَمْ يُحَرِّمُ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرَرُ وَالتَّلَفُ وَالتَّفْسَادُ فَكُلُّ نَافِعٍ مَقْوٍ لِلْجَسْمِ وَفِيهِ قُوَّةٌ لِلْبَدَنِ فَحَلَالٌ وَكُلُّ مُضَرٍّ يُذْهَبُ بِالْقُوَّةِ أَوْ قَاتِلٍ فَحَرَامٌ، مِثْلُ السَّمُومِ وَالْمَيْتَةِ وَاللِّدْمِ»؛ «بدان، خداوند تو را رحمت کند، که پروردگار هیچ خوردنی و نوشیدنی را مباح نکرد مگر اینکه در آن نفع و مصلحتی بود و هیچ چیزی را حرام اعلام نکرد مگر اینکه در آن زیان و نابودی و فساد بود؛ پس هر چیزی که در آن نفع و قوت جسم و قوت بدن است حلال است و هر چیز زیان‌آوری که نیرو و قدرت را از بین ببرد و یا کشنده باشد حرام است مثل سم‌ها و گوشت حیوان مرده و خون.» در اینجا اگرچه در ابتدا خوردن و نوشیدن مطرح شده، اما مفهوم کل مطلب یک قاعده کلی برای تحریم بعضی اشیاء است. ۲. قال عليه السلام: «قَالَ الصَّدُوقُ وَقَالَ ع كَلَّمَا أَضْرَبَ بِهِ الصَّوْمُ فَأَلَا فُطَارَ لَهُ وَاجِبٌ». ۲ حدیث فوق که از معصوم (ع) نقل شده است بیان می‌دارد که «هرگاه روزه به انسان زیان برساند، پس افطار واجب است» که این مطلب دلالت دارد بر اینکه اضرار به نفس حرام است؛ در غیر این صورت، افطار واجب نبود. حال که روزه با همه عظمتش در صورتی که مضر برای بدن باشد دارای حکم حرمت می‌شود، پس مواد مخدر که شالوده جسم و جان انسان را درهم می‌کوبد به طور اولی حرام خواهد بود. ۳. «عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: "إِنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرَ مُضَارٍّ وَلَا آئِمٍّ" ۳ پناهنده به خودت را مانند خودت بدان و از زیان رساندن به او برحذر باش؛ همان طور که دوست نداری خودت مورد اذیت و آزار واقع شوی. با توجه به دو حدیث فوق، درمی‌یابیم که هر چیزی که به انسان ضرر برساند حرام است، حتی اگر آن چیز مانند روزه امر واجبی

۱. این روایت در منابع زیر آمده است: الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام / ۲۵۴ / ۳۷، باب النفقة و المأكل و المشارب و الطعام؛ بحار الأنوار / ج ۶۲ / ۱۶۶، باب ۲ علل تحریم المحرمات من المأكولات و المشروبات؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ج ۱۶ / ۱۶۳، باب تحریم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و الخمر و إباحتها عند الضرورة بقدر البلغة؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ج ۱۶ / ۳۳۳، باب أن كل ما لا نص على تحريمه من الأطعمة المعتادة فهو مباح و ذکر جملة من الأطعمة المباحة.

۲. حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ۱۴۰۹ ق، ص ۲۱۹.

۳. کلینی، یعقوب، الکافی، ج ۵، ۴۰۷ ق، ص ۲۹۲.

باشد؛ پس در خصوص مواد مخدر نیز چون از جمیع جهات به بدن ضرر می‌رساند، می‌توان گفت که استعمال آن حرام است.

۱-۳- بنای عقلا

سومین دلیل از ادله مورد استفاده برای اصدار حکم و افتاء از سوی فقیه در مکتب تشیع عبارت است از سیره یا بنای عقلا که در اینجا کاربرد آن در تحریم مواد مخدر بیان می‌شود. اصطلاحاتی نظیر بنای عقلا، عرف عقلا، سیره عقلاویه، طریقه عقلا، بنای عرف، سلوک و عمل عقلا و... که در نزد علمای اصولی شیعه در دو قرن اخیر به کار گرفته شده است در واقع همان عرف و یا شاخه‌ای از عرف است^۱ و چنین تعریف شده است: «بنای عقلا عبارت است از استمرار عمل و روش عمومی توده عقلا در محاورات، معاملات و سایر روابط اجتماعی بدون توجه و در نظر گرفتن کیش، آیین و ملیت آن‌ها»؛ «به عبارت دیگر، مراد از بنای عقلا همان استمرار عمل عقلا بما هم عقلاست، روش و عملی که همیشگی و همه‌جایی است»^۲.

هرچند برخی از تحلیلگران ادعا می‌کنند که سیره عقلا زمانی از مدار اعتبار برخوردار است که کاشف از تأیید معصوم باشد و مواد مخدر در شکل امروزی‌اش در آن زمان وجود نداشته؛ اما باید خاطر نشان کرد که حضرات معصومین (ع) هیچ‌گاه ضرر و زیان ناشی از استعمال هر نوع مواد ضرر رسان را تأیید نکرده‌اند که بدین ترتیب می‌توان به عدم تأیید آنان در خصوص مواد مخدر نیز پی برد.

بنابراین، باید گفت که سیره و بنای عقلا در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر بوده است؛ چرا که یکی از معضلات و نگرانی‌های عمده جهان امروز معضل مواد مخدر است که به دلیل پیامدهای جهانی، روانی، مالی، شخصی، خانوادگی، قانونی و اجتماعی مصرف این مواد توجه اقشار مختلف مردم، مسئولین کشوری لشگری و سازمان‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است و در جهت مبارزه با این پدیده شوم اقدامات گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند و در این میان، سازمان‌های دولتی و غیردولتی

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، ۱۳۷۰، ص ۲۱۷.

۲. جبار گلپایگی ماسوله، درآمدی بر عرف، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳.

متعددی در جهت مبارزه با این معضل سازمان‌دهی و گام‌هایی چند در این خصوص برداشته و نشریات، صداوسیما، بزرگان دینی و بزرگان علمی از آثار زیان‌بار مواد مخدر صحبت به میان آورده‌اند و معتادان در نظام اسلامی منفورترین اشخاص هستند و حتی زنان، فرزندان، پدران و مادرانشان از وجود آنان رنج می‌برند و اهمیت قضیه به حدی جدی و مهم است که کلیه دستگاه‌های اجرایی از تمامی ظرفیت‌ها به نفع سلامت جامعه و با بسیج تمام ارگان‌های ذی‌ربط جهت پیشگیری و مبارزه با این پدیده شوم کمر همت بسته‌اند و در سراسر جهان نیز علی‌رغم نداشتن اعتقادات مذهبی مشترک در این باره اجماع وجود دارد؛ زیرا امری عقلایی به شمار می‌رود.

۲- فتاوی فقهای معاصر در باب حرمت استعمال مواد مخدر

فقهای جهان اسلام که در طول تاریخ اصلی‌ترین سنگرداران محافظت از مرزهای فکری و عقیدتی بوده‌اند در زمینه مواد مخدر نیز هوشیارانه عمل کرده و مکلفین را در مقام عمل از حیرت و سردرگمی نجات داده‌اند. البته این نکته قابل ذکر است که تقریباً تمام مراجع در حرام بودن مواد مخدر اتفاق نظر دارند. در اینجا از باب نمونه به تعدادی از فتاوی مراجع عظام تقلید معاصر که در واقع پاسخ به مسئله شرعی حکم استعمال مواد مخدر است، اشاره می‌کنیم:

۲-۱- حضرت امام خمینی (ره)

الف- تریاک آوردن و پخش کردن بین مردم، هروئین آوردن و پخش کردن بین جوان‌های ما ملت ما را از بین خواهد برد. این‌ها خودشان قبل از اینکه عذاب الهی برایشان بیاید، قبل از اینکه شلاق الهی به آن‌ها بخورد، خودشان ملاحظه بکنند و نکنند، ترک کنند این راه، این جنایت است، این کشیدن جوان‌های برومند ماست به از بین رفتن، این فساد نسل است.^۱

ب- این (مواد مخدر) مایه فساد است؛ فساد را باید برداشت تا دیگران اصلاح شوند.^۲

۱. خمینی، روح الله؛ استفتاآت، ج ۲، ۳۳۵.

۲. همان، ۳۷۱.

۲-۲- آیت‌الله خامنه‌ای

استعمال مواد مخدر و استفاده از آن‌ها با توجه به آثار سوءشان از قبیل ضررهای شخصی و اجتماعی فراوانی که بر استعمال آن‌ها مترتب می‌شود حرام است و به همین دلیل، کسب درآمد با آن‌ها از طریق حمل و نقل و نگهداری و خرید و فروش و غیر آن هم حرام است.^۱

۲-۳- آیت‌الله مکارم شیرازی

دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی در باب حکم شرعی استعمال مواد مخدر به قرار زیر است: الف- «استعمال مواد مخدر یکی از محرمات است که ادله مختلف شرعی بر حرمت قطعی آن دلالت دارد. بر همه مسلمانان واجب است که از این مواد پلید پرهیز و اجتناب کنند. فرزندان و بستگان و آشنایان خود را از آن‌ها شدیداً بر حذر دارند. هر کس هرگونه کمکی به کشت و تهیه و حمل و نقل و پخش این مواد کند، مشمول مجازات الهی خواهد بود. هرگونه درآمدی از آن حاصل شود، حرام و نامشروع است.»^۲ ب- «مواد مخدر به هر شکل و هر صورت استعمالش حرام است و تمام کسانی هم که متصدی پخش و گسترش آن به هر نحو باشند کار آن‌ها حرام است؛ معاملاتش نیز قطعاً حرام است. کشت مواد مخدر در شرایط فعلی حرام است؛ همچنین دست‌اندرکاران آن هم کارهایشان حرام است و در واقع شبیه آن چیزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شراب می‌فرماید که خداوند ده طایفه را در رابطه با شراب لعن کرده است؛ یعنی از رحمت خودش دور ساخته است. مواد مخدر هم عیناً همان است و بلکه بدتر می‌باشد و اگر چنین شرایطی در صدر اسلام بود و آیات قرآن نازل می‌شد، به یقین آیاتی شدیدتر درباره مواد مخدر نازل می‌شد؛ ولی از اصولی که در فقه اسلامی داریم این حکم به‌خوبی روشن می‌شود. استعمال مواد مخدر از محرمات مسلمة است و ضررهای مادی و معنوی و اجتماعی و اقتصادی آن بر هیچ عاقلی پوشیده نیست و از همه بدتر اینکه مواد مخدر به صورت یکی از ابزارهای مخرب استعماری درآمده است.»^۳ ج- «استعمال مواد مخدر و هرگونه فعالیت پیرامون آن

۱. خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، ص ۳۱۲.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات، ج ۳، ص ۴۹۳.

۳. همان، ص ۴۹۷.

حرام و از گناهان کبیره است و استفاده از قرص‌های شادی‌آور و توهّم‌زا هرگاه ضرر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد یا منشأ فسادهایی گردد، جایز نیست.»

۲-۴- آیت‌الله بروجردی

«همیشه نوشته‌ام: مقتضی است مسلمین، بلکه تمامی عقلا خود را از این سموم مهلکه نجات دهند.»^۱ و در جای دیگری فرموده‌اند: «هر چیزی که عقل را زایل می‌کند در اسلام حرام است.»^۲

۲-۵- آیت‌الله فاضل لنکرانی

«استعمال مواد مخدر از این جهت که ضرر مهم بر جسم و جان انسان وارد می‌کند و همه امور متعارف و طبیعی فردی و اجتماعی را مختل می‌کند و نیز موجب بازداشتن از انجام واجبات و امور دینی است و همین‌طور به جهت سایر مفاسدهای که دارد به هیچ وجه جایز نیست.»^۳

۲-۶- آیت‌الله صافی گلپایگانی

«ضرر این سموم مهلک و خطرات خانمانسوز آن برای دین و ایمان و شرف و استقلال و سلامت روح و جسم و همه شئون جامعه از واضحات است. هر عمل و معامله و حمل و نقلی که موجب سلب مصونیت جامعه اسلامی از خطر ابتلای افراد به اعتیاد به این سموم گردد، مؤکداً حرام است و نهی از منکر و جلوگیری از آن علاوه بر اینکه از وظایف مستقیم حکومت است بر همگان نیز طبق ضوابط شرعی واجب است و همه باید هماهنگ از این منکر و سایر منکرات که موجب فساد و تباهی اخلاق اسلامی جامعه است جلوگیری نمایند.»^۴

۱. اسعدی، حسن، دو مشکل مهم جهانی در آستانه قرن بیستم، تهران، چاپ اول، ص ۹۱.
۲. همان.

۳. فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج ۳، ص ۹۴۳.

۴. صافی گلپایگانی، محمدرضا، جامعه الاحکام، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۹ق، ص ۱۸۷.

۳- آثار شرعی مترتب بر حرمت استعمال مواد مخدر در ابواب مختلف

فقهی

در ابواب فقهی متعددی به نقل از مذاهب اهل سنت و شیعه بحث‌هایی پیرامون آثار مترتب بر حرمت استعمال مواد مخدر شده که هر یک به اختصار بیان می‌شود.

۳-۱- باب حدود و تعزیرات

شارع بین محرماتی که در نفوس اعتیاد ایجاد می‌کند و محرماتی که اعتیاد ایجاد نمی‌کند مانند خون و میته فرق قائل شده؛ اگر اعتیاد ایجاد نکند، به مجازات شرعی اکتفا کرده و عقوبت را تعزیر قرار داده است و اگر اعتیاد ایجاد کند، همراه با مجازات شرعی مجازات طبیعی هم که حد باشد قرار داده و حشیش از این قسم است.^۱

۳-۲- باب دیات

«... وَ الْمُبْنَجَّ مَنْ يَسْقَى غَيْرَهُ شَيْئاً مِمَّا يُذْهَبُ بِالْعَقْلِ، فَهُوَ ضَامِنٌ الْجَنَائِهِ يَدُهُ مِنْ نُقْصَانِ الْعَقْلِ وَالْحَوَاسِ وَالْجِسْمِ، وَيَلْزَمُهُ التَّعْزِيرُ؛ وَإِنْ أَخَذَ شَيْئاً مِنَ الْحَرَزِ مَقْدَارِ نَصَابٍ مُخْتَفِئاً، قُطِعَ بَعْدَ مَا اسْتَرَدَمْنَهُ»؛^۲ «مبنج کسی است که به دیگری چیزی را بنوشاند که عقلش را ببرد که در این حال ضامن جنایتی است که به دست خورنده بنگ ایجاد می‌گردد؛ زیرا در عقل و حواس و جسم او نقصی ایجاد کرده و لازم است که تعزیر شود؛ و اگر چیزی را از حرز به مقدار نصاب به صورت مخفیانه گرفته باشند، بعد از بازگرداندن مال دستش قطع می‌شود.»

۳-۳- باب اطعمه و اشربه

الف- «يَحْرُمُ السَّمُومُ الْقَاتِلَةُ قَلِيلُهَا وَكَثِيرُهَا. وَلَا بَأْسَ بِالْيَسِيرِ مِمَّا لَا يَقْتُلُ قَلِيلُهُ، كَالْأَفْيُونِ وَالسَّقْمُونِيَا وَشَحْمِ الْحَنْظَلِ وَالشُّوْكَرَانِ. وَإِذَا مَرَّحَ بغيرِهِ مِنَ الْحَوَائِجِ وَلَا يَجُوزُ الْإِكْتَارُ مِنْهُ كَالْمِثْقَالِ. وَبِالْجَمَلَةِ مَا يَخَافُ مَعَهُ الضَّرْرُ»؛^۳ «سموم کشنده قلیل و کثیرش حرام است ولی خوردن قلیلش اگر کشنده نباشد، اشکال ندارد مانند خوردن افیون و سقمونیا و روغن حنظل و شوکران، وقتی که با دیگر چیزهای مورد نیاز ترکیب شوند، اما مقدار بیشتر مانند یک مثقال جایز نیست. و کلاً هر مقدار که احتمال ضرر داشته باشد جایز نیست.» ب- «و»

۱. تقی الدین ابن تیمیه الحرانی، الفتاوی الکبری، ج ۴، ص ۲۶۰.

۲. علی بن حمزه الطوسی، الوسيله الی نیل الفضيله (من الجوامع الفقهیه)، ص ۴۲۴.

۳. حسن بن یوسف بن علی الحلّی، قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۱۵۷.

يَرَحْمُ كُلُّ جَمَادٍ مُضِرِّ لِبَدَنِ أَوْ عَقْلِ كَحَجَرٍ وَتُرَابٍ وَسَمٍّ وَإِنْ قَلَّ (إِلَّا لِمَنْ لَا يَضُرُّهُ) وَمَسْكْرٌ. تمثيل لِالْجَمَادِ الْمُضِرِّ لِلْعَقْلِ (قوله: ككثير افیون) و جوز و عنبر و زعفران (قوله: و حشیش) ای: و کثیر حشیش^۱؛ «هر چیز جامدی که برای بدن یا عقل مضر باشد حرام است مانند سنگ، خاک و سم هر چند که کم باشد (مگر برای کسی که به او ضرر نرساند) و اگر مسکر هم باشد حرام است. مثال برای جامد مضر به عقل افیون در مقدار زیاد و جوز و عنبر و زعفران و حشیش در مقدار زیاد.» ج- «(فَالْمُحَرَّمُ) مِنَ الْأَطْعَمَةِ وَالْأَشْرِبَةِ مَا أَفْسَدَ الْعَقْلَ مِنْ مَائِعِ كَخَمْرِ أَوْ جَامِدٍ كَحَشِيشَةِ وَافْيُونٍ»؛ «اطعمه و اشربه حرام آن است که عقل را فاسد کنند چه از مایعات مانند شراب باشند یا جامد مانند حشیش و افیون.»

۳-۴- باب نجاسات

«لَا لِضُرَرِهَا فِي بَدَنِ أَوْ عَقْلِ» خُرُجٌ بِهِ مَا ضَرَّ بِالْبَدَنِ كَالسَّيِّئَاتِ، أَوْ «الْعَقْلِ» كَالْأَفْيُونِ وَ الزَّعْفَرَانِ، فَإِنَّهُ طَاهِرٌ، وَ حُرْمَةُ تَنَاوُلِهِ لِإِنِّجَاسِهِ بَلْ لِضُرَرِهِ.^۲ «و با جمله (برای بدن یا عقل ضرر نداشته باشد) خارج می شود آنچه که برای بدن ضرر دارد مانند سموم یا برای عقل ضرر داشته باشد مانند افیون و زعفران که طاهر هستند و حرمت تناول آن‌ها به خاطر ضرر آن‌هاست نه نجاست.»

۳-۵- باب نماز

الف- «مَنْ شَرِبَ الْمَسْكِرَ وَ الْبَنْجَ أَوْ الْمُرْقِدَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ، مِمَّا يَزِيلُ الْعَقْلَ، فَإِنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ إِعَادَةُ مَا يَفُوتُهُ فِي تِلْكَ الْحَالِ.»^۳

«کسی که عقلش با نوشیدن مسکر و بنگ و مرقد و دیگر چیزهای زایل کننده عقل زایل شود و نمازهایش قضا شود، واجب است آنچه را که قضا شده اعاده نماید.» ب- «فَأَمَّا مَنْ زَالَ عَقْلُهُ بِشُرْبِ الْبَنْجِ وَ الْأَشْيَاءِ الْمَسْكِرَةِ وَ الْمُرْقِدَةِ وَ الْأَدْوِيَةِ الْمُجْنَنَةِ، فَإِنْ كَانَ إِنَّمَا شَرِبَهُ تَدَاوِيًا فَهَذَا مَعْدُورٌ»؛^۴ «اما کسی که عقلش با نوشیدن بنگ و اشیاء مسکر و مرقد و داروهای

۱. ابوبکر المشهور بالسید البکری، حاشیه اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، ج ۲، ص ۳۵۵.

۲. ابوالبرکات بن احمد الدردیر، الشرح الصغیر علی اقرب المسالک الی مذهب الامام مالک، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. ابوبکر المشهور بالسید البکری، حاشیه اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، ج ۱، ص ۸۱.

۴. ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی (شیخ طوسی)، المبسوط، ج ۱، ص ۱۲۸.

۵. همان، ج ۵، ص ۵۲۴.

جنون زایل شود پس اگر صرفاً به خاطر مداوا باشد، معذور است و اعاده نمی‌خواهد. ج- «سُئِلَ عَنْ شَخْصٍ صَلَّى فَرَضاً وَ فِي رَأْسِهِ حَشِيشَةٌ، عَالِمٌ بِهَا، فَهَلْ صَلَاتُهُ صَحِيحَةٌ وَ لَا اِعَادَةٌ عَلَيْهِ اَوْ لَا؟ اجاب: صَلَاتُهُ صَحِيحَةٌ وَ لَا اِعَادَةٌ لَانْهَا مُسْكِرَةٌ طَاهِرَةٌ!»؛ «در مورد شخصی که نماز می‌خواند و بر روی سرش حشیش بود که اطلاع هم داشت، سؤال شد که آیا نمازش صحیح است و اعاده می‌خواهد یا نه؟ جواب داد: نمازش صحیح است و اعاده نمی‌خواهد؛ زیرا حشیش مسکر طاهر است.»

۳-۶- باب اجاره

«اِذَا كَانَتْ اِلْعِيَانُ الَّتِي يَحِلُّ اِلْتِنَاعُ بِهَا، اِذَا بَيَّعْتَ لِمَنْ يَسْتَعْمِلُهَا فِي مَعْصِيَةِ اللّٰهِ، عَلٰى رَأْيِ جَمْهُورِ الْفُقَهَاءِ يَحْرُمُ تَمَنُّهَا، لِدَلَالَةِ مَا ذَكَرْنَا مِنْ وَغَيْرِهَا عَلَيْهِ. كَانَ تَمَنُّ الْعَيْنِ الَّتِي لَا يَحِلُّ اِلْتِنَاعُ بِهَا كَالْمُخَدِّرَاتِ حَرَاماً مِنْ بَابِ اَوَالِي»؛ «وقتی چیزی را که می‌توان انتفاع حلال از آن برد به کسی بدهیم تا آن را در راه معصیت استعمال می‌کند بنا به رأی جمهور فقها پولش حرام است به خاطر آنچه که از ادله و غیر آن ذکر کردیم؛ بنابراین، پول چیزی که انتفاع از آن حلال نمی‌باشد مانند مواد مخدر از باب اولی حرام است.»

۳-۷- باب طلاق

«اِذَا زَالَ عَقْلُهُ بِشَرْبِ لَبَنٍجٍ وَ الْاَشْيَاءِ الْمُرْقَدَةِ وَ الْمُجَنَّبَةِ، لَا يَقَعُ طَلَاقُهُ وَ بِهِ قَالَ ابُو حَنِيفَةَ، وَقَالَ الشَّافِعِيُّ: اِنْ كَانَ شَرِبَهُ لَتَدَاوِي فَرَزَالَ عَقْلُهُ لَا يَقَعُ طَلَاقُهُ، وَاِنْ شَرِبَهُ لِلْعَبِّ وَ غَيْرِ الْحَاجَةِ يَقَعُ طَلَاقُهُ. دَلِيلُنَا: مَا قَلْنَا فِي الْمَسْأَلَةِ الْاُولَى، اِجْمَاعُ الْفِرْقَةِ وَ اَخْبَارُهُمْ، وَ اَيْضاً الْاَصْلُ بَقَاءُ الْعَقْدِ، وَ وُقُوعُ الطَّلَاقِ يَحْتَاجُ اِلَى دَلِيلٍ، وَ لَا دَلِيلَ فِي الشَّرْعِ عَلٰى وُقُوعِ هَذَا النُّوعِ مِنَ الطَّلَاقِ»؛ «اگر بانوشیدن بنگ و اشیاء مرقده (خواب‌آور) و جنون‌زا عقلش زایل شود، طلاقش واقع نمی‌شود. ابوحنیفه نیز بر همین رأی است و شافعی گفته: اگر نوشیدنش برای مداوا باشد و عقلش زایل شود، باز هم طلاقش واقع نمی‌شود؛ ولی اگر نوشیدنش به خاطر سرگرمی و لهو و بدون نیاز منطقی باشد، طلاقش واقع می‌شود. دلیل ما آن است که در مسئله اول گفته

۱. شمس‌الدین محمد حمزه‌الرملی، فتاوی‌الرملی بهامش و فتاوی‌ابن‌حجر، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. عبدالرحمن‌الجزیری، الفقه‌علی‌المذاهب‌الاربعه، ج ۵، ص ۴۱.

۳. ابوجعفر محمدبن‌الحسن بن‌علی‌الطوسی، الخلاف، ج ۲، ص ۴۵۴.

شد که اجماع است؛ و همچنین اصل بقاء عقد است و وقوع طلاق به دلیل نیاز دارد و هیچ دلیلی در شرع بر وقوع این نوع از طلاق وجود ندارد.»

۳-۸- باب بیع

الف- «أَمَّا السَّمُّ مِنَ الْحَشَائِشِ وَالنَّبَاتِ فَيَجُوزُ بَيْعُهُ إِنْ كَانَ مِمَّا يُنْفَعُ بِهِ مَالاً فَلَا؛» «سم‌هایی از قبیل حشیش و از این قسم گیاهان بیع آن جایز است اگر نفعی داشته باشد، و الا جایز نیست.» ب- «مِنَ شُرُوطِ الْمَبِيعِ (النَّفْعُ) أَى: الْإِنْتِفَاعُ بِهِ شَرْعاً (فَلَا يَصِحُّ بَيْعُ الْحَشَرَاتِ... وَلَا حَبَّتِي الْحِنْطَةِ وَنَحْوَهَا) وَ يَحْرَمُ بَيْعُ السَّمِّ إِنْ قَتَلَ قَلِيلُهُ وَ كَثِيرُهُ، فَإِنْ نَفَعَ قَلِيلُهُ صَحَّ بَيْعُهُ الْأَفْيُون.»^۲

«یکی از شروط بیع نفع می‌باشد؛ یعنی انتفاع شرعی داشته باشد و بیع سم چه قلیل چه کثیر اگر کشنده باشد، حرام است ولی اگر قلیلش نفع داشته باشد مانند افیون بیعش صحیح است.»

بحث و نتیجه‌گیری

مواد مخدر به عنوان یک پدیده فراگیر که از دیرباز تاکنون مشکلات زیادی را برای بشریت و خصوصاً مسلمانان به وجود آورده است از همان آغاز شکل‌گیری اسلام مورد توجه پیشوایان دین قرار گرفته و برای مبارزه با آن راهکارهای مناسب و کارآمدی را ارائه داده است. آیات، روایات و بنای عقلا که همواره برای استنباط احکام شرعی مورد استفاده فقیهان و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است مبانی حرمت استعمال مواد مخدر را تشکیل می‌دهد. بر اساس این مبانی، مواد مخدر به دلیل مضرات و مفاسدهای که برای عقل و جسم، خانواده، اجتماع، دولت و حکومت در پی دارد، حرام و ممنوع است و برای مرتکبین آن علاوه بر مجازات‌های شرعی، کیفرهای دنیایی و حقوقی نیز در نظر گرفته شده است. فقهای عظام اسلامی که سنگرداران دفاع از مرزهای عقیده و اندیشه هستند به طور اجماع بر این ایده هستند که مواد مخدر حرمت قطعی دارد و بر هیچ مسلمانی روا و جایز نیست

۱. حسن ابن یوسف بن علی الحلّی، قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۲۰.

۲. محمد الزهری الغمراوی، السراج الوهاج، شرح علی متن منهاج النووی، ج ۱، ص ۵۳۴.

که از این مواد استفاده کند و در صورت مصرف این مواد مرتکب گناه کبیره قطعی شده است.

منابع

قرآن کریم.

- آبراکرامبی، نیکلاس، فرهنگ جامعه‌شناسی، حسن پویان، تهران، چاپخس، ۱۳۷۶.
- ابن براج، عبدالعزیز، المهدب، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ابن عابدین، محمد امین، حاشیه رد المختار علی الدر المختار، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
- ابن عبدالله، محمد بن مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، قم، مفید، بی‌تا.
- ابن مفتاح، ابی الحسن عبدالله، شرح الازهار و هامشه، عصر مطبوعه مجازی، ۱۲۵۷.
- ابن منظور، ابی فضل، لسان العرب، بیروت، دار الطباعه و النشر، الطبعة الاولى، بی‌تا.
- ابن بابویه، علی بن الحسین، علل الشرایع، قم، مکتبه داورى، بی‌تا.
- ابوالبرکات بن احمد الدردیر، الشرح الصغیر علی اقرب المسالک الی مذهب الامام مالک.
- ابوسلیمان الحطابی، معالم السنن، ج ۵.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله و سلم، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
- آریان پور، عباس و منوچهر، فرهنگ فشرده انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- اصفهان‌ئی (فاضل هندی)، بهاء‌الدین محمد بن الحسن بن محمد، کشف اللثام، قم، منشورات مکتبه السید المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ق.
- امین محمد شوقی و عطیه حسن علی، المعجم الوسیط، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی‌تا.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، تبریز، مطبوعه الاطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- انصاری، مرتضی، المکاسب، چاپ دوم، قم، علامه، ۱۳۶۷.
- بجنوردی موسوی، سید محمد، قواعد فقهیه، موسسه چاپ و نشر عروج، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- بجنوردی، سید میرزا حسن، القواعد الفقهیه، مطبوعه الخیام، چاپ دوم، ۱۴۰۲.
- البکری، ابوبکر، حاشیه اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- جبار گلباغی ماسوله، درآمدی بر عرف، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸.
- جر خلیل، فرهنگ لاروس، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

- طباطبائی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، مؤسسه الاعلمی، چاپ سوم، ۱۳۹۰ق.
- غنجدی، علی، *ژئوپلیتیک مواد مخدر*، معاونت آموزش ناجا، ۱۳۷۶.
- فدایی، فرید و سجادیه، محمد، *شناخت، پیشگیری و درمان اعتیاد*، تهران، تایماز، ۱۳۶۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ (للیثی)*، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
- موسی، حسین یوسف و صعیدی، عبد الفتاح، *الإفصاح فی فقه اللغه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، قم، *دائرة المعارف فقه اسلامی*، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- نوری، میرزا حسن، *مستدرک الوسائل*، چاپ اول، بیروت، مؤسسه آل بیت، ۱۴۰۸ق.